

ساختار جامع برای کمک به تحلیل، کشف، و پیش‌گیری تقلب*

نویسندگان: آلن رابین اشتاین
محمد ای بابو
مترجم: امیر پوریانسنب

مقدمه

اتکای صرف به رویدادهای تاریخی برای آزمون وقوع تقلب غالباً مبنایی ناپسندیده را برای کشف تقلب و از آن هم بیشتر برای پیشگیری از تقلب به دست می‌دهد. تقلب که از پویایی چرخه ای چندبعدی برخوردار است، نه تنها به عنوان یک رویداد وجود دارد بلکه در مقام یک مفهوم، نیت، کنش و ایزه نیاز به ساختاری جامع دارد تا عناصر کلیدی آن و بسیر هم کنش‌های میان آنها دانسته شود. بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ (آمریکا)، که به جنبه عملی تقلب می‌پردازد و حسابرسان را راهنمایی می‌کند تا در حسابرسی‌های صورت‌های مالی تقلب‌های بالقوه را بررسی کنند، دیدگاهی بسیار محدود از تقلب را می‌پذیرد. این نوشتار استاندارد مذکور را، با ارائه دیدگاهی جامع از تقلب که مشتمل بر دو عنصر اصلی است از تقاء می‌بخشد: (۱) ارائه تعریفی فراگیرتر از تقلب نسبت به تعریف بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ و (۲) کالبدشکافی تقلب با تمام ابعاد پیش گفته آن.

کالبدشکافی تقلب و ذات پویایی این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا تقلب چرخه‌ای یا صرفاً تکراری است. در نوشته‌های حسابرسی به این پرسش به رغم لوثی که در تمایزگذاردن بسین خلاف‌های عمدی و غیر عمدی و درک سرشت کارکرد حسابرسی قائل است پرداخته نشده است. اشتباهات غیر عمدی به دلیل "همسانی" و این همانی شان تکرار پذیرند، اما تقلب‌ها به دلیل "شباهت" شان چرخه‌ای هستند (دیلیوز، ۱۹۹۴).

تحلیل تقلب صرفاً با اتکا به دو عنصر کنش و پیش‌گیری اش می‌تواند به دو نارسایی بنیادی بینجامد: ساختار و پیش‌بینی پذیری.

سرشت چرخه‌ای و عناصر منسجم و به هم چسبیده تقلب با شک آوری حرفه‌ای، آن گونه که بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ توصیف می‌کند فقط متضمن کشف پرخه‌ای تقلب هستند و نمی‌توانند تمام حرکت‌ها، نیت‌ها، کنش و ایزه‌های تقلب را پوشش دهند. افزون بر این هر رویداد واقعی تقلب، به عنوان معلولی که دارای علت‌های پیشامدی است، تقلب را از طریق برون‌یابی یا فرافکنی (علت کلان) و شباهت بسیار دیگر موارد تقلب (علت خرد) پیش‌بینی پذیر می‌سازد. ساختار جامع پیشنهادی در این نوشتار، که در برگیرنده خلاف‌های عمدی و غیر عمدی است به بازسازی و پیش‌گیری از تقلب حتی در مرحله آغازینش کمک می‌کند.

نگاه کلی

در ۱۹۹۷، انجمن حسابداران رسمی آمریکا بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ (از این پس باح ۸۲) را به منظور کمک به برآوردن انتظارات عموم و حسابرسان برای حصول اطمینان معقول از نبود کژنمایی‌های یا اهمیت در صورت‌های مالی، که معلول تقلب یا اشتباه هستند، منتشر کرد. باح ۸۲، رهنمودهای "چگونه باید" را برای بررسی تقلب بالقوه در حسابرسی‌های صورت‌های مالی در اختیار حسابرسان قرار می‌دهد، انواع تقلب را توصیف می‌کند و حسابرسان را ملزم می‌کند تا ریسک تقلب با اهمیت را، اعم از گزارشگری مالی متقلبانه (تقلب مدیریتی) و سوء استفاده از دارایی‌ها (اختلاس)، ارزیابی کنند.

نگارندگان ابتدا درباره باح ۸۲ بحث می‌کنند، سپس آن را با دیدگاهی جامع از تقلب که دارای معنی فراگیرتر، و ساختار چرخه‌ای و پویا تمام‌کژکرداری‌های عمدی^۱ و غیر عمدی^۲ است، کامل می‌کنند. در این نوشتار، ساختاری جامع شرح و بسط داده می‌شود که می‌تواند برای تبیین عناصر غامض تقلب سودمند باشد.

دیدگاهی جامع از تقلب

باح ۸۲ به جنبه‌های عملی تقلب با سیستمی کردن رویه‌های حسابرسی برای فراهم آوردن اطمینان معقول در ارتباط با تحریف‌های برخاسته از تقلب می‌پردازد و از حسابرسان می‌خواهد:

- ۱) در صورتی که ریسک تقلب تهدیدکننده‌ای وجود دارد آن را ارزیابی و مستند کنند.
 - ۲) طبقه‌بندی‌ها و مقوله‌های عوامل ریسک تقلب را برای ارزیابی ریسک فراهم کنند.
 - ۳) به ریسک تقلب تهدیدکننده واکنش نشان دهند.
 - ۴) نتایج آزمون‌های حسابرسی را که به ریسک تقلب مربوط اند ارزیابی کنند.
 - ۵) تقلب را به مدیریت، کمیته حسابرسی و دیگران اطلاع دهند.
- از آن جا که تقلب در مقام یک مفهوم، نیت، کنش و ایزه دارای چند بعد است، بنابراین نگاه صرفاً تاریخی به تقلب، می‌تواند پیش‌گیری از آن یا حتی رسیدن به اطمینانی معقول در ارتباط با وقوع آن را زائل کند. در ادامه تعریفی جامع تر از تقلب ارائه می‌شود و سپس بحثی از سرشت چرخه‌ای تقلب عرضه می‌شود.

معنی تقلب

انجمن بازرسان رسمی تقلب (آمریکا)، تعریفی فراگیر از تقلب را پذیرفته است و می‌گوید تقلب دربرگیرنده "تمام ابزارهای گوناگونی است که ساخته انسان است و یک فرد با استفاده از آن مزیتی را نسبت به دیگری از طریق توصیه‌های کذب، یا کتمان حقیقت کسب می‌کند و شامل تمام رویدادهای غیر مترقبه، کلک‌ها، حیل‌گری‌ها، یا مخفی‌کاری‌ها و دیگر راه‌های غیر منصفانه برای



فریب دیگری است". باح ۸۲ (بند ۳) دیدگاهی محدودتر از تقلب را به کار می برد (که برای مخاطبان اصلی اش، حسابرسان، قابل فهم است) و می گوید: "اگر چه تقلب، یک مفهوم قانونی فراگیر است، اما توجه حسابرس مخصوصاً به کنش های متقلبانه ای معطوف است که علت تحریفی بااهمیت در صورت های مالی هستند". بنابراین، باح ۸۲ (بندهای ۱۰-۴) اساساً به دو منبع ریسک تحریف با اهمیت می پردازد که برخاسته از (۱) گزارشگری مالی متقلبانه و (۲) سوء استفاده از دارایی ها (اختلاس) است. این دو نوع تحریف به عدم انطباق نمایش صورت های مالی با اصول حسابداری پذیرفته همگانی می انجامد و نیز باعث می شوند تا حسابرس نظری تعدیل شده ارائه نماید.

در کنار این دو منبع ریسک تقلب انجمن بازرسان رسمی "تقلب" ترفندهای فساد مالی^{۱۱} را به عنوان کنش هایی تعریف می کند که بر آن اساس "متقلبان" با روش های نادرست از نفوذشان در یک مبادله تجاری استفاده می کنند تا برخلاف وظیفه شان در برابر کارفرمایانشان یا حقوق دیگران، منافعی را برای خود یا دیگری به دست آورند^{۱۲} (ولز^{۱۱}، ص ۳). ترفندهای فساد مالی شامل تضاد منافع (مانند ترفندهای خرید و فروش)، رشوه خواری^{۱۳} (مانند حق و حساب و دستکاری قیمت ها در مزایده ها و مناقصه ها)، انعام های غیر قانونی^{۱۴} (مانند ترفندهای رشوه خواری که مستلزم تأثیر بر تصمیمی خاص نیستند) و زورگیری اقتصادی^{۱۵} (نوعی از رشوه خواری که به جای آن که عاملش فروشنده باشد، شاغل سازمانی از فروشنده تقاضای پول می کند) است.

به لحاظ فراوانی آماری سوء استفاده از دارایی ها در حدود ۸۰٪، فساد مالی ۱۵٪، صورت های مالی متقلبانه ۴٪، و سایر موارد تقلب، ۱٪ را تشکیل می دهند. اما برحسب میانگین زیان شرکت های

قربانی، اختلاف فاحشی بین زیان های معلول صورت های مالی متقلبانه (۴,۰۰۰,۰۰۰ دلار) و دیگر انواع تقلب شامل فساد مالی (۴۴۰,۰۰۰ دلار)، سوء استفاده از دارایی ها (۸۵,۰۰۰ دلار)، و سایر (۱۰۷,۰۰۰ دلار) وجود دارد (ولز، ۵). رابرتسون^{۱۵} و لوورس^{۱۶} (۱۹۹۵، ص ۲۵۴) گزارش می کنند که دزدان و بانکنزن ها در هر اقدام مجرمانه به طور میانگین ۴۰۰ تا ۵۰۰ دلار به جیب می زنند، حال آن که تقلب های کارکنان در صورت استفاده از رایانه به طور میانگین ۲۰,۰۰۰ دلار تا ۵۰,۰۰۰ دلار است.

آلبریج^{۱۷} و همکارانش (ص ۲۷۵) معتقدند با این که تقلب یک مسأله کاملاً هزینه بر و مشکل آفرین است اما هنوز بسیاری از سازمان ها کنترل تقلب را مسئولیت فرد یا افراد دیگر می دانند. این نقش حسابرسان مستقل را برای کنترل تقلب افزایش می دهد- نقشی که به دلیل میثاق های کمی و کیفی اهمیت در حسابرسی های صورت های مالی محدود است.

اگرچه در باح ۸۲ صراحتاً به "ترفندهای فساد مالی" آن گونه که توسط انجمن بازرسان رسمی تقلب توصیف شده است، پرداخته نمی شود اما در صورتی که اثر بااهمیتی بر صورت های مالی داشته باشند عموماً جزء مصادیق این استاندارد قرار می گیرند. مثلاً حسابرسان باید تحریف های با اهمیت برخاسته از کنش های غیر قانونی را در صورتی کشف کنند که تأثیر بااهمیتی در تعیین مبالغ صورت های مالی دارند (بیانیه های استانداردهای حسابرسی شماره های ۴۷، ۵۴ و ۸۲).

باح ۸۲ بسیاری از جنبه های تقلب را پوششی دهد. نگارندگان به منظور پرداختن به این جنبه ها، چه به صورت منفرد چه در مجموع، در ادامه مبحث کالبدشکافی تقلب را برای کمک به تبیین باح ۸۲ عرضه می کنند.

از آن جا که تقلب در مقام یک مفهوم، نیت، کنش و ابژه دارای چند بعد است، بنابراین نگاه صرفاً تاریخی به تقلب، می تواند پیش گیری از آن یا حتی رسیدن به اطمینانی معقول در ارتباط با وقوع آن را زائل کند

مثلث تقلب

همانند یک تصویر
ایستا از عناصر مشوش
همانند مثلث آتش

باقی می ماند

که هرگز رخ نخواهد داد

مگر آن که یک نفر

هر سه شرط آتش

را با هم بیامیزد

باح ۸۲ بسیاری از جنبه های تقلب را پوشش می دهد. برای آن که این جنبه ها به خوبی دانسته شوند، در ادامه مبحث کالبدشکافی تقلب عرضه می شود. این مبحث به درک نهفته ها و بندهای باح ۸۲ کمک می کند.

کالبد شکافی تقلب

تقلب از (۱) یک فرایند، و (۲) یک الگوی چرخه ای شکل می گیرد: کلیگ من^{۱۸} نشان می دهد که متقلبان موفق اغلب غارت و چپاول شان را گسترش می دهند. وی می نویسد: "تقلب در هر اندازه و شکلی رخ می دهد. آنهایی را که ما در روزنامه ها می خوانیم از آن رو سرخط ها و سرنویس ها را به خود اختصاص می دهند که معمولاً شکست ها و جرائم بزرگی هستند که گریبانگیر شرکت های غول آسا شده اند. معمولاً از کوچک آغاز می شوند و رفته رفته گسترده تر می شوند."

در متون حسابرسی کاملاً تشریح نشده است که آیا تقلب به فرایندهای چرخه ای یا تکراری شکل می دهد. صفت های چرخه ای و تکراری تفاوت معنی داری از هم دارند. زیرا اولی برکنش های عمده (تقلب) و دیگری بر اشتباه های غیر عمده دلالت دارد. دیلیوز (۱۹۹۴) مطالعه فلسفی مبسوطی را در باره چرخه و تکرار انجام داد و این دو را از هم تفکیک کرد. درک تفاوت بین چرخه ها و تکرارها برای درک سرشت تقلب و نیز سرشت کارکرد حسابرسی، آن گونه که در ادامه بحث می شود، ضروری است.

یک چرخه به باز وقوع^{۱۹} (یا تناوب) عناصر یا رویدادها مربوط می شود. نویسندگان از اصطلاحاتی مانند جایگزین ها، همسان پذیرها، شباهت ها، و معادل ها برای اطلاق به فرایندهای چرخه ای استفاده می کنند. از طرف دیگر، تکرار به ثبات (تغییر ناپذیری)، همسان ها، یا بی جایگزین ها و

یگانه ها در بازوقوع ها گفته می شود. تکراری و تکرار شده با هم فرق دارند، زیرا اولی به فرایند بازوقوع مربوط می شود، و تکرار شده به عناصر همسان مشترک در هر پاره داستان^{۲۰} یا فرایند بازوقوع گفته می شود. بدون این همسانی هیچ تکراری وجود ندارد. بدین منظور از اصطلاحاتی مانند همانستی، بی جایگزینی، همسانی، و تبدیل ناپذیری استفاده می شود تا کمیت پذیری "تکرارها" توصیف شود.

برای مثال، در یک چرخه تقلب، اگر کارمندی در هر ماه به مدت ده ماه یک دلار بدزدد در کل دوره ۱۰ ماهه ۱۰ دلار خواهد دزدید. برای این که به این رویداد، تکراری گفته شود، وی باید همان یک دلار (همسانی) را هر ماه در طول کل دوره ده ماهه بدزدد (و بعداً برگرداند). بنابراین، طی دوره ده ماهه، به جای دزدی ۱۰ دلار همان یک دلار ده بار دزدیده می شود. دیلیوز بیان می کند که: "تکرار به معنی رفتار با الگویی معین، اما در ارتباط با چیزی منحصر به فرد یا یگانه است که برابر یا معادلی ندارد. این یک متناقض نمای آشکار^{۲۱} است: آنان یک "تکرار ناپذیر" را تکرار می کنند. آنان دومی و سومی را به اولی اضافه نمی کنند بلکه اولی را با تمام انجام می دهند.

"براین اساس، اشتباهات غیر عمده تکرار پذیرند، اما تقلب ها معمولاً چرخه ای هستند. مثلاً، استفاده از نشانی نادرست بر روی پاکت ها و نامه های شرکت در هر بار که نامه ای ارسال می شود یک اشتباه تکرار پذیر است. برعکس، استفاده غیر مجاز و غیر قانونی از پاکت ها و نوشته افزار شرکت دیگر برای گزارش اطلاعات جعلی و ساختگی یک تقلب است که می تواند در یک چرخه رشد کند.

حسابرسی مستقل زمانی به صفت های یک تکرار پی می برد که از همان کارکنان، رویه ها و روش ها از سالی به سال دیگر استفاده شود. متقلبان با تجربه با کشف این الگو، می توانند چرخه تقلبشان را برای



گریز از تقلب، با توجه به فعالیت های حسابرسی تکراری، تعدیل کنند. افزون براین، ممکن است استدلال شود همین ماهیت چرخه ای تقلب موجب تقاضا برای کارکرد گواهی گری حسابرسی است. یعنی، چون تقلب چرخه ای است، حسابرسی مستقل نیز چرخه ای است. در دنیای فرضی که در آن چرخه های تقلب جایی ندارند و فقط اشتباهات تکرارپذیر وجود خواهند داشت شاید نیازی به حسابرسی گسترده برای کشف و پیش گیری نباشد.

آلبرچ و همکارانش (فصل ۲)، مثلث تقلب (با سه گوشه فشار^{۲۲}، منطق تراشی^{۲۳}، و فرصت^{۲۴}) را به مثلث آتش (با سه گوشه گرما، اکسیژن و سوخت) تشبیه می کنند. از آن جا که تقلب مانند آتش برای اشتعال به هر سه شرط نیاز دارد، بنابراین نمی تواند بدون اعتماد رخ دهد زیرا "هیچ کس نمی تواند دیگری را فریب دهد مگر فریب خورده به فریب دهنده اعتماد داشته باشد". افزون براین، ماهیت چرخه ای و پویای تقلب برای قرار دادن مثلث تقلب در عرصه کنش ایجاب می کند که بعد زمانی، نیت، کنش ها، ابژه ها (چیزها) و یک رویداد برانگیزاننده و منبعت کننده وجود داشته باشد. در غیر این صورت، مثلث تقلب همانند یک تصویر ایستا از عناصر مشوش همانند مثلث آتش باقی می ماند که هرگز رخ نخواهد داد، مگر این که یک نفر (یا چیزی) هر سه شرط (ابژه های) آتش را با هم بیامیزد (کنش). در ادامه عناصر مستقل چرخه تقلب تبیین می شود.

محرک های تقلب

باح ۸۲ محرک های^{۲۵} انواع تقلب را به دو گروه طبقه بندی می کند: انگیزش^{۲۶} و فرصت های به دست آمده^{۲۷}. همان طور که در ادامه تبیین می شود این ها معمولاً ملازم با گزارشگری مالی متقلبانه و سوءاستفاده از دارایی ها هستند.

انگیزش. انگیزش مشتمل بر فشار یا وسوسه هایی^{۲۸} برای ارتکاب تقلب است. باح ۸۲ این محرک ها را به دو گروه تقسیم می کند. عوامل انگیزشی برای (۱) تحریف های گزارشگری مالی، و (۲) سوءاستفاده از دارایی ها.

عوامل انگیزشی برای تحریف صورت های مالی ممکن است شامل مواردی باشد که از پی می آیند: (۱) عوامل مدیریتی مربوط به قابلیت های مدیریتی، فشارها، سبک و نگرش مدیریتی در ارتباط با کنترل های داخلی و فرایند گزارشگری مالی؛ (۲) عوامل صنعتی شامل شرایط اقتصادی و مقرراتی حاکم بر عملیات شرکت؛ و (۳) عوامل عملیاتی و مالی که منبعت از ماهیت کسب و کار، و شرایط مالی و سودآوری شرکت.

فرصت های درک شده. فرصت های به دست آمده محرک های مهمی برای تقلب هستند. بنابر آراء رابرتسون و لوورس (۱۹۹۹، ص ۲۶۱)، یک فرصت "دری باز برای گشودن مسئله ای اشتراک ناپذیر و سری از طریق نقض اعتماد دیگران است. نقض اعتماد ممکن است با زیر پا گذاردن سیاست ها و رویه های کنترل داخلی یا منفعت طلبی از نبود و سستی کنترل ها در یک سازمان صورت گیرد". فرصت هایی که در پس سوءاستفاده از دارایی ها قرار دارند عبارت اند از:

(۱) حساسیت پذیری یا آسیب پذیری در برابر سوءاستفاده از دارایی ها. ماهیت دارایی ها و مکان های یک شرکت درجه بی دفاعی آنها را در برابر دزدی تعیین می کنند؛ و

(۲) نبود کنترل هایی به منظور منع یا کشف سوءاستفاده متقلبانه از دارایی ها.

متقلبان باید هم فرصت (یعنی نارسایی های سیستم کنترل داخلی یا ترفندهایی را که می توانند مرتکب شوند) و هم انگیزش ارتکاب تقلب را داشته باشند. انگیزش و فرصت یابی تأثیری دوسویه بر

**حسابرسی مستقل
زمانی به صفت های یک
تکرار پی می برد که
از همان کارکنان،
رویه ها و روش ها
از سالی به سال دیگر
استفاده شود**

**نقض اعتماد ممکن است
با زیرپاگذاردن سیاست‌ها
و رویه‌های کنترل داخلی
یا منفعت طلبی
از نبود و سستی
کنترل‌ها در یک
سازمان صورت گیرد**

یکدیگر دارند: انگیزش نیرومند، ضرورت و نیاز به یافتن نارسایی‌های سیستم کنترل داخلی و خلق ترفندهای تقلب آمیز را افزایش می‌دهد. به همین قیاس، افزایش کنترل‌های سست و بی‌بنیان (فرصت‌هایی مانند نقد گزارش نشده یا ابزارهای مالی ثبت نشده) ممکن است متقلبان را به دزدی و وسوسه برانگیزد. از اینرو، برای افزایش موانع تقلب، کارفرمایان باید بر ذهن کارکنانشان، مثلاً با مطلع کردن آنان از تصمیماتی مانند برخورد شدید با متقلبان و اخراج همه متقلبان، رسوخ کنند.

رابرتسون و لوورس، یک رویکرد مثبت تر را برای پیشگیری بلندمدت از تقلب مطرح می‌کنند. آنان می‌گویند کارفرمایان باید نشان دهند که حقیقتاً نگران رفاه کارمندانشان هستند. طبق پژوهش ولز^{۲۹}، کنترل‌های داخلی فقط زمانی می‌توانند اثری بازدارنده داشته باشند که کارکنان به وجود چنین کنترل‌هایی پی ببرند. کنترل‌های پنهان و نامحسوس^{۳۰} اثر بازدارندگی ندارند. بالعکس، کنترل‌هایی که حتی مستقر نشده‌اند اما احساس شوند که وجود دارند، به اندازه کنترل‌های مستقر شده دارای ارزش بازدارندگی هستند اما در این صورت یک "دوراهه تقلب - بازدارندگی"^{۳۱} ایجاد می‌شود: یعنی برای بازداری از تقلب، کنترل‌های داخلی نباید پنهان باشند؛ اما هم این که این کنترل‌ها دانسته شوند متقلبان مجرب می‌توانند از این دانستنی برای طراحی راه‌های اثربخش غلبه بر سیستم کنترل داخلی استفاده نمایند.

این مسئله یک دوراهه و معمای حقیقی را مسلم می‌نماید، زیرا محرک تقلب نوعاً سه چیز است: (۱) آزمندی برای کسب منافع بیش‌تر، (۲) مقاومت و ایستادگی در برابر از دست دادن چیزی که امنیت خاطر را فراهم می‌کرده است، و (۳) فشارهایی برای انجام تمام عوامل تکرار شونده و متناوب با گرایش رو به رشد (کوای^{۳۲}، ص ۲۸۲). وجود ساختاری جامع

برای تحلیل تقلب آگاهی از این مسئله را بالا می‌برد و احتمالاً به توقف پیشرفت آن کمک می‌کند.

نیت ارتکاب تقلب

چنان چه نیتی نباشد، آنگاه تحریف گزارش یا سوءاستفاده از داری‌ها، چیزی جز "اشتباه"^{۳۳} یا "خطایی غیر عمدی"^{۳۴} نیست که بنا به تعریف فاقد ترفندهای فریبکارانه مکانیکی است و با ابزارهای کنترلی روزانه کشف پذیر است. اشتباهاتی که فاقد نیت هستند غالباً برخاسته از ناشایستگی هستند و با انجام یک **بسی نظمی**^{۳۵} (نابسامانی) با توان نام تکرار پذیرند. اما تقلب برخاسته از نادرستکاری است، زیرا نیت فریبکاری نقش کلیدی را در تعریف کنش‌های متقلبانه ایفاء می‌کند.

به رغم اهمیت نیت برای تمیز گذاردن بین اشتباهات و تقلب‌ها، باح ۸۲، تصریح می‌کند که "حسابرس هیچ مسئولیتی برای تعیین نیت متقلبان ندارد، زیرا تعیین نیت به ویژه در مواردی که پای برآوردهای حسابداری و کاربرد اصول حسابداری در میان باشد بسیار سخت است." مثلاً **بیش برآورد**^{۳۶} قابل ملاحظه از عمر اقتصادی یک دارایی استهلاک پذیر می‌تواند (عامدانه یا غیرعامدانه) سود و ثروت یک شرکت را **بیش نمایی**^{۳۷} کند؛ با وجود این، به رغم این که باح ۸۲ حسابرس را مسئول می‌داند که اطمینان معقول به دست دهد صورت‌های مالی عاری از کژنمایی با اهمیت هستند، اما تصریح می‌کند که تعیین نیت نا لازم است. بنابراین، با این که حسابرسان ملزم نیستند وجود نیت ارتکاب تقلب را اثبات کنند، اما آنان باید از تردید و شک آوری حرفه‌ای، یعنی از ظن به وجود ترفندهای عمدی (یا انگیزش) در زمانی که شرایط معینی حاکم است، استفاده کنند. **کلیگ من** (ص ۲۳۵) در این باره می‌گوید که "لیاقت و جوهره یک حسابرس موفق، درک انگیزش‌های افرادی است که در هر کار کرد، از فرادست‌ترین تا



فرودست ترین، درگیرند. افزون بر این، حسابرسان ممکن است نیت مدیریت را در شرایطی که فعالیت های مجرمانه بالقوه وجود دارد، تحلیل کند. کنش یک متقلب می تواند با برخورداری از محرک و نیت ارتکاب تقلب به صورتی باشد که در ادامه بیان خواهد شد.

کنش های تقلب

کنش های تقلب متفاوت از ابژه های تقلب است؛ کنش، فعالیتی مانند دزدی و سوءاستفاده است در حالی که ابژه (مانند یک دارایی) هدف و کانون تقلب است. تمایز کنش ها و ابژه ها برای تعیین راه های کشف و بازداری متفاوت لازم است. ابژه ها ممکن است مشهود (وسائل حمل و نقل شرکت) یا نامشهود (خدمات حمل و نقل با استفاده از یک وسیله حمل و نقل) باشند. چون برخی کنش های متقلبانانه بر ابژه های نامشهود تمرکز دارند و به ابژه مشهود تقلب آسیب نمی رسانند، بنابراین به افزارهای متفاوت برای بازداری و کشف آنها احتیاج است. نمونه هایی از کنش های تقلب در جایی که ابژه ای مشهود (فیزیکی) از دست نمی رود عبارت اند از: بازگرداندن مستندات طبقه بندی شده به پرونده هایشان پس از تهیه فتوکپی؛ تبدیل اوراق بهادار شرکت برای سفته بازی کارمندان با استفاده از دارایی های شرکت برای استفاده شخصی؛ و کوشش های دزدانه.

کنش های متقلبانانه از طریق **رقم افزایی**^{۳۷} یا **رقم گاهی**^{۳۸} رخ می دهند. رقم زدایی های (حذف های) متقلبانانه بیشتر در خصوص کژنمایی های گزارشگری مالی کاربرد دارند تا ترندهای سوءاستفاده از دارایی ها. زیرا صورت های مالی ارقام و بدهی هایی را افشاء می کنند که وقتی حذف می شوند باعث "بهبود" وضعیت مالی یا نتایج عملیات می شوند. **باج ۸۲** کنش های متقلبانانه را به کژنمایی های برخاسته از موارد زیر طبقه بندی می کند:

۱. گزارشگری مالی متقلبانانه، که عبارت اند از کژنمایی های صورت های مالی یا حذف مبالغ یا افشاءها مانند (الف) دست ورزی، سرهم بندی (جعل)، یا تغییر مدارک^{۳۹} یا مستندات^{۴۰} پشتیبان؛ (ب) نادرست نمایی^{۴۱} یا حذف رویدادها، تراکنش ها یا دیگر اطلاعات مهم؛ و (ج) کاربرد اصول حسابداری نادرست.

۲. سوء استفاده از دارایی ها (یا اختلاس)، که **ولز** (ص. ۳) آنها را به (۱) دزدی، یا (۲) استفاده غیرمجاز از دارایی های شرکت (مانند استفاده غیرمجاز از وسیله حمل و نقل شرکت برای سفر شخصی) تقسیم می کند.

ابژه های تقلب

تقلب ها ممکن است ابژه های متفاوت برای طرف های متفاوت داشته باشند. مثلاً یک تقلب در جایی که دارایی قابل ملاحظه ای از طریق سرقت از دست می رود ابژه هایی برای طرف های مربوط به صورت زیر خواهد داشت:

۱. ابژه های اصلی تقلب از دید مالکان: دارایی دزدیده شده ابژه اصلی تقلب برای مالکان کسب و کار است، زیرا ثروت خالص شان در اثر این زیان کاهش می یابد.

۲. ابژه اصلی تقلب از دید کارکرد مباحثرتی^{۴۲}: سیستم کنترل داخلی ابزار اصلی مدیریتی برای بازداری و کشف تقلب است. وقتی این سیستم برای حفاظت از دارایی های شرکت در برابر تقلب شکست می خورد، مدیریت باید آن را به منظور انجام کارکرد مباحثرتی اش بازسازی و ترمیم کند. بنابراین، با این که بازداری و کشف تقلب از اهداف مدیریتی است، اما سیستم کنترل داخلی ابزار (ابژه) آن برای رسیدن به این اهداف است؛

۳. ابژه اصلی تقلب از دید کارکرد گواهی گوی^{۴۳}: یک کار حسابرسی مشتمل بر اهداف و ابژه ها است.

نگرانی اصلی حسابرسان
جزئیات یک تقلب
نیست، بلکه
برآوردن معیار
اطمینان معقول است

با قبول سرشفت پویا و چرخه ای تقلب، حسابرسان می توانند تقلب را با بررسی نارسایی های بنیادی همه تقلب ها بازاری و کشف کنند

باح ۱ توصیف می کند که هدف اصلی حسابرس به دست آوردن شواهد کافی و قابل قبول به منظور فراهم آوردن مبنایی معقول برای اظهار نظر درباره صورت های مالی موضوع حسابرسی است. بنابراین، آنان باید عوامل ریسک را بررسی کنند، اهمیت ریسک تقلب را تعیین کنند، و ریسک کلی کار حسابرسی را مهار کنند (راموس^{۴۴} و لایونز^{۴۵}، ص ۴۲). نقش مهم ریسک به عنوان ابژه اصلی حسابرسی به رویکرد "حسابرسی مبتنی بر ریسک" انجامیده است. بل^{۴۶} و رایت^{۴۷} (۱۹۹۵، ص ۱۱) که در کار بل و همکاران، (۱۹۹۷) نقل شده است آن را رویکردی سیستماتیک می نامند "که به موجب آن ماهیت، زمان بندی، و میزان آزمون ها از طریق ارزیابی و ارزشیابی ریسک کژنمایی با اهمیت ادعاهای صورت های مالی تعیین می شود". چون ارزیابی ریسک کژنمایی های با اهمیت برخاسته از تقلب فرایندی انباشتنی است، سه گام اول این ارزیابی (شناسایی عوامل ریسک، ارزیابی عوامل ریسک و واکنش به ریسک) مکرراً در طول حسابرسی موازات جلب توجه حسابرس به اطلاعات حسابرسی مربوط انجام می شود (راموس و لایونز، ۱۹۹۷، ص ۸). در واقع، تمرکز باح ۸۲ بر راهنمایی حسابرسان برای مهار و مدیریت ریسک است.

از دست دادن یک دارایی در اثر دزدی یک زیان واقعی برای مالکان و کارگزارانشان یا مدیران است. حسابرس ممکن است زیان های بالقوه ای را که در پی می آید ببیند: (۱) دعوی قانونی طرف سوم به دلیل گزارش نکردن کژنمایی های با اهمیت صورت های مالی که برخاسته از تقلب هستند؛ (۲) از دست دادن موکلان یا صاحبکاران در صورتی که حسابرسان را مدیریت به دلیل کشف نکردن تقلب اخراج کند؛ و (۳) از دست دادن موکلان یا صاحبکاران در صورتی که حسابرسان را مدیریت به دلیل کشف و گزارش تقلب اخراج کنند (کلیگ من ۱۹۹۴، ص ۲۳۱).

دارایی دزدیده شده در یک تقلب می تواند نگرانی اصلی برای مالکان شرکت باشد. زیرا دارایی دزدی شده زیان واقعی آنان محسوب می شود. این زیان، برای حسابرسان به معنی وسیله برای رسیدن به یک هدف است. واقعاً نگرانی اصلی حسابرسان جزئیات یک تقلب نیست، بلکه بر آوردن معیار اطمینان معقول است. قضاوتی که باعث اعمال سیاست کلی مؤسسات حسابداری رسمی در خصوص تقلب نسبت به تقلب خاص می شود. این سیاست کلی گویای نگرش ریسک پذیری مؤسسه حسابرسی است. حسابرسان ریسک گریز رویه های حسابرسی و آزمون های محتوایی بیشتری را برای ایجاد مبنایی به منظور تصمیم گیری درباره اطمینان معقول انجام می دهند تا آنان که ریسک پذیرند. دیلا^{۴۸} و استون^{۴۹} (۱۹۹۷) پی بردند که روش های پیش ارزیابی ریسک ذاتی و هم رأیی با اجماع قضاوتی در بین مؤسسات حسابرسی فرق می کند. خلاصه اینکه، ریسک، ابژه اصلی تقلب برای حسابرسان (تمرکز بر نگرانی شان) است؛ چنانچه ریسکی وجود نداشته باشد، از شرط اطمینان معقول تخطی نمی شود، و بالعکس، هر قدر ریسک بالاتر برود حسابرسان برای تحقق این شرط به رویه های حسابرسی بیشتری نیاز دارند. این تصمیمات جوهره مدیریت ریسک هستند.

برای حسابرسان، یک ابژه تقلب باید (۱) با اهمیت، (۲) غیرمستقیم، و (۳) تابع اطمینان نسبی و نه اطمینان مطلق باشد. شرط اطمینان معقول فقط در مورد کژنمایی های با اهمیت صورت های مالی کاربرد دارد (باح ۸۲، بند ۱۰). باح ۸۲ (بند ۲۵) می گوید: "پیش ارزیابی ریسک کژنمایی با اهمیت برخاسته از تقلب فرایندی انباشتنی است که شامل بررسی عوامل ریسک به صورت منفرد و جمعی است". بنابراین، اهمیت دارای ابعاد کمی و کیفی است. اولی به وزن کژنمایی نسبت به صورت های مالی مربوط می شود، و دومی به مقام و مرتبه مرتکب شوندگان تقلب در



شرکت مربوط است - با این فرض حتی اگر یک تقلب جزئی توسط رؤسای عالی رتبه انجام شود، بااهمیت است. رابرتسون و لوورس (۱۹۹۹، ص. ۲۶۱) می گویند عموماً هر قدر یک مقام در یک سازمان بالاتر باشد، درجه اعتماد و امانت سپاری به صاحب آن مقام بیش تر است؛ بنابراین، وی فرصت بیش تری برای تقلب های بزرگ تر دارد. آنان می افزایند (۲۵۴) به همین دلیل است که بزرگترین تقلب ها را افرادی مرتکب شده اند که مقام های اجرایی بالاتر، تصدی طولانی تر، احترام بیشتر، و امانت پذیری بیشتر داشته اند.

دوم، ریسک به عنوان ایژه تقلب برای حسابرسان، ناشی از مسئولیت غیرمستقیم در قبال کژنمایی های صورت های مالی است. مدیریت و نه حسابرس، مسئول پیشگیری و کشف تقلب است (باح ۸۲، بند ۲).

افزون بر این، حسابرسان باید فقط اطمینان معقول، نه مطلق از کشف کژنمایی های بااهمیت صورت های مالی به دست دهند که کشف می شوند. باح ۸۲ دلایل این مسئولیت محدود را توصیف می کند. این دلایل عبارت اند از: (۱) جنبه های نهان فعالیت متقلبان، شامل این که تقلب اغلب متضمن تبانی یا جعل مستندات است؛ و (۲) استفاده از قضاوت حرفه ای برای شناسایی و ارزشیابی عوامل ریسک تقلب و ملاحظات دیگر که گاهی اوقات حتی با برنامه ریزی و اجرای درست حسابرسی کشف ناپذیرند.

با قبول سرشت پویا و چرخه ای تقلب، حسابرسان و دیگر موکلانشان می توانند تقلب را با بررسی نارسایی های بنیادی همه تقلب ها کشف و بازسازی کنند.

بازداری و کشف تقلب

تقلب دو نارسایی بنیادی دارد که نهایتاً می تواند

به کشف بینجامد: ساختار، و پیش بینی پذیری. نخست، ماهیت چرخه ای تقلب، آن سان که در بالا تبیین شد، ساختاری از عناصر و مسیر به هم چسبیده را نشان می دهد. بدین سان که یک نفر مجرب و منتقد حتی با نگاهی گذرا به برخی جنبه های این چرخه می تواند با ارزیابی های خود از تمام طرفندهای متقلبانه و نیز محرک ها، نیت ها، کنش ها و ایژه هایشان پرده بردارد.

این، غایت شک آوری حرفه ای است که در باح ۸۲ (بند ۲۷) در مقام یک نگرش، یعنی ذهنی پرسشگر و ارزیابی نقادانه شواهد حسابرسی شامل (۱) حساسیت در گزینش ماهیت و میزان مستندات، و (۲) بازشناسی نیاز به تبیین های مؤید یا گواهینامه های مدیریتی در ارتباط با موضوعات بااهمیت، توصیف می شود. رابرتسون و لوورس (۱۹۹۹، ص. ۲۵۴) معتقدند که این شک آوری حرفه ای، به واسطه تجربه به یک هنر ارتقاء می یابد که به آن "هنر هشیاری حسابرس از تقلب می گویند. آنان هم چنین می افزایند که این هنر متضمن آشنایی با عناصر عدیده ای است: عنصر انسانی، رفتار سازمانی، شناخت طرفندهای مشترک در میان تقلب ها، شواهد و منابعشان، استانداردهای اثبات، و حساسیت در برابر پرچم ها یا چراغ های قرمز".

دوم، تقلب به عنوان یک رویداد در هر دو چارچوب کلان و خرد پیش بینی پذیر است. زیرا هر معلولی باید شرایطی داشته باشد تا به ایجادش بینجامد. در سطح کلان، یک همبستگی بین وضع عمومی اقتصاد و صنعت موکل حسابرسی و میل به تقلب وجود دارد. در سطح خرد، پیش بینی پذیری تقلب از این باینش برمی آید که اکثر تقلب ها دارای ویژگی های مشترکی هستند و یک حسابرس مجرب می تواند از قواعد یادگیری سرانگشتی و درک مشترک برای شک آوری و پیش بینی تقلب در زمانی که شرایط خاصی حاکم باشد استفاده کند. مثلاً، حساسیت

تقلب به عنوان یک رویداد
در هر دو چارچوب
کلان و خرد
پیش بینی پذیر است
زیرا هر معلولی باید
شرایطی داشته باشد
تا به ایجادش بینجامد

18. Kleigman
19. recurrence
20. episode
21. paradox
22. pressure
23. rationalization
24. opportunity
25. drivers
26. motivation
27. perceived opportunities
28. incentives
29. deterrent
30. fraud-deterrence dilemma
31. Quay
32. error
33. mistake
34. irregularities
35. overestimating
36. overstate
37. Commission
38. omission
39. records
40. documents
41. misrepresenting
42. stewardship function
43. attest function
44. Ramos
45. Lyons
46. Bell
47. Wright
48. Dilla
49. Stone
50. Hillison
51. Pacini

1- Albrecht, W.S; Wernz, G.W; and Williams, T.L, Fraun: **Bringing the Light to the Dark side of Business**, (Burr Ridge, IL: Irwin, 1995).

2- American Institute of Certified Public Accountants, **"Generally Accepted Auditing Standards."** Statements of Auditing Standard (SAS) number I, (New York: AICPA, 1972)

دارایی به تقلب، تقویت قدرت سیستم کنترل داخلی، درستکاری مدیریت و محیط کلی شرکت، نقش های کلیدی را برای پرده برداری از تقلب ایفاء می کنند. کوای (۱۹۹۴، ص ۲۸۳) بیان می کند که "در حقیقت، عوامل متعددی وجود دارد که به نظر می رسد با قاعده خاصی رخ می دهند. یکی از این ها فشار زیاده روی مدیریت برای تولید است". بررسی پرسش نامه ای مؤسسه حسابداری کی پی ام جی در ۱۹۹۴ درباره وجود تقلب در شرکت های بزرگ و میان اندازه آمریکا نشان داد که شرکت ها، در هر اندازه که هستند، تجارب مشابهی را داشته اند (نقل قول از هیلیسون^{۵۰} و پاچینی^{۵۱}، ۱۹۹۷، ص. ۴۸).

به رغم سرشت پیش بینی پذیر تقلب، این موارد باز تکرار خواهند شد و حسابرسان و مدیران هم چنان سرزنش خواهند شد.

این نوشتار، خلاصه ای از اثر زیر است:

Reinstein, Alan & Mohamad E. Bayou ,
"A Comprehensive Structure to Help
Analyze, Detect and Prevent Fraud",
SSRN website (www.ssrn.com)

1. Cyclical dynamic
2. Identity
3. Similarity
4. Deleuze
5. projection
6. fraudulent financial reporting
7. misappropriation of assets
8. defalcation
9. intentional misconduct
10. corruption
11. Wells Schemes
12. bribery
13. illegal gratuities
14. economic extortion
15. Robertson
16. Louwers
17. Albrecht

ارزیابی ریسک
کژنمایی های بااهمیت
برخاسته از تقلب
فرایندی انباشتنی است
سه گام اول این
ارزیابی شناسایی عوامل
ریسک، ارزیابی عوامل
ریسک و واکنش
به ریسک است



- 14- Messier, W.F., Jr., **Auditing , A Systematic Approach.** (New York: McGraw-Hill, 1997)
- 15- Quay,J., "Frud _How to Deter It," in Zeune. G.D., **The CEO's complete Guide to Committing Fraud**, Volume1, (Columbus, OH: Gare D.Zeune,1994)
- 16- Ramos,M.J. And Lyons, A.M., **Condidering Fraud in a Financial Statement Audit: Practical Guikance for applying SAS No.82,**(New Yourk: AICPI,1997)
- 17- Roberson, J.C. And Louwers, T.J., **Auditing**, ninth edition. (Boston: Irwin Mc Graw-Hill,1999)
- 18- Salpukas, A., "U.S. Cites Saxon for False Date," *The New York Times*, September 10,1982,pp.D1.D10.
- 19- Seidler,L.J., Andrews,F., And Epstein, M.J., **The Equity Fundeng Papers: The Anatomy of a Fraud,** (New York : McGraw-Hill, 1974).
- 20- The Wall Street Jaurnal, "Phar-Mor's Estimate of Total in Fraud Case Grows by \$149 Million," January 25,1993,p.B3
- 21- Wakkace,W.A., **Auditing**,third edition, (Cincinnati: South - Western Publishing 1995).
- 22- Wells,J.T., **Cutting Edge Development in Fraud Examination**, Working Pap for the Association of Certified Fraud Examiers (Austin, TX: ACFE, 1997).
- 23- Zeune, G.D., "How to Steak \$100 Milion," in Zeune,G.D., **The CEO's Complete Guide to Committing Fraud**, Volum 1, (Columbus, OH: Gary D.Zeune, 1994)
- 3- "Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit," (SAS) NO.82. (AICPA. 1997).
- 4- "Illegal Acts by Clients." SAS No.54.
- 5- "Audit Risk and Materiality in Conductigan Audit." SAS No.47.
- 6- Bell,T, Marrs , F, Solomon , I, and Thomas, H, **Auditing Organizations Through a Strategic-Systems Lens**, (KPMG Peat Marwick LLP,1997)
- 7- Bell, T,B. And wright , A.M, (eds), **Auditing Practice, Resarch, and Education: A Productive Collaboration**, (AICPA, 1995)
- 8- Deleuze, G, **Diference and Repetition**, Patton, P, (tras,) (New York: Columbia University Press, 1994)
- 9- Dickson, R,D."Auditor in the Middke," in Zeune, G.D, **The CEO's Complete Guide To Committing Fraud.** Volume 1. (Columbus,OH: Gary D.Zeune,1994)
- 10- Dilla, W,N. And Stone, D.N., "Representations as Decision Aids: The Asymmetric Effects of Word and Nubvers on Auditors. Inherent Rish Judgments." *Decision Sciences.* Mol.28, number 3,Summer 1997.pp. 709_743.
- 11- Hilison, W.A. And Pacini, C., "A Guide for CFOs for Dealing With Frud," *Journal of Corporate Accountng and Finance*, Autumn 1997,pp.45-56
- 12- Kliegman,E.J.,"Auditing- How It Got In theMess It's In Zeune,G.D., **The CEO's Complete Guide To Committing Fraud**, Volume1, (Columbus, OH:Gary D. Zeune. 1994)
- 13- Lueck,T.J.,"Sorting out the Saxon Tangle," *The New York Times*, july15, 1982, p.D1.